

مقدمه

پرداختن به جوانب گوناگون ادیان در حوزه مسائل عقیدتی و عملی، همواره مورد توجه مردم شناسان، دین شناسان و محققان این عرصه بوده است. در این میان، تحقیقات تطبیقی راجع به دین اسلام و مسیحیت، به عنوان دو آیین بزرگ الهی، که اکثریت متدینان جهان را به خود اختصاص داده‌اند، حائز اهمیت است. در سایه این گونه مطالعات دین شناسانه، نه تنها ابعاد هریک از اسلام و مسیحیت به روشنی بیشتری شناسانده می‌شود، بلکه شناخت اشتراکات و تمایزات میان آنها نیز میسر می‌شود.

با توجه به اختلافات عقایدی میان این دو دین و نیز تنوع سلاقی و حوادث تاریخی‌ای که بر ایشان گذشته، وجود تفاوت‌هایی میان این دو دین، امری کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. با این حال، اشتراکات عمده‌ای میان آن دو قابل پیگیری است که از چشمان تیزبین پژوهشگران عرصه ادیان مخفی نمانده است. در واقع، این اشتراکات محصول اموری چند می‌باشد: نخست اینکه، هریک از اسلام و مسیحیت در زمره ادیان الهی بوده و ریشه در وحی دارند. دوم اینکه، هر دو دین دارای پیشینه واحدی بوده، منشأ آنها به آیین حضرت ابراهیم خلیل بازمی‌گردد. سوم اینکه، هریک از آنها از بستر جغرافیایی تقریباً واحدی سرچشمه گرفته‌اند. این قبیل اشتراکات، زمینه‌ای فراهم آورده که بیش از پیش، وجوه اشتراکی اسلام و مسیحیت مورد توجه قرار گیرد، به گونه‌ای که امروزه تحقیقات دین شناسانه بسیاری در زمینه مسائل عقیدتی این دو دین، صورت گرفته است. با این حال، در رابطه با سایر حوزه‌های مطالعاتی آن دو، مقایسه‌ای درخور صورت نپذیرفته است. این مهم، بیش از هر چیز مرهون برداشت ناصوابی است که از دین مسیحیت، چهره‌ای صرفاً عقیدتی و یا اخلاقی ارائه داده، آن را فاقد سایر شئون دینی جلوه می‌دهد. از جمله موضوعاتی که در این زمینه مغفول مانده و انتظار می‌رود که به شکل مقایسه‌ای میان آن دو دین، و به‌طور خاص میان شیعه و کاتولیک به مثابه دو مذهب کلیدی در اسلام و مسیحیت مورد مطالعه قرار گیرد، بحث از نمادها، آیین‌های مقدس، مناسک و شعائر دینی است. هریک از شیعه و کاتولیک، دارای طیف گسترده‌ای از شعائر دینی هستند و هر دو، توجه خاصی به شعائر مبذول داشته، آن را از جمله عناصر مذهب خویش به‌شمار آورده‌اند، به گونه‌ای که در میان مذاهب اسلامی و مسیحی، می‌توان شیعه و کاتولیک را شبیه‌ترین مذاهب به یکدیگر در زمینه مناسک و شعائر دینی به‌شمار آورد.

این تحقیق به این سؤالات پاسخ می‌دهد که آیا شعائر شیعه، منحصر به شعائری است که به‌طور خاص در نصوص دینی به آنها اشاره شده است؟ آیا عرف متدینان مجازند در تطبیق دستورات کلی

گستره آیین‌های مقدس، شعائر و نمادهای دینی شیعه و کاتولیک؛

بررسی مقایسه‌ای

کلیه حسین اربابی / دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

محمد فولادی / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۳

hossein.arbabi@yahoo.com

fooladi@iki.ac.ir

چکیده

شیعه و کاتولیک به‌عنوان دو مذهب کلیدی در اسلام و مسیحیت، به‌طور خاص در حوزه آیین‌های مقدس، نمادها و شعائر دینی از شباهت‌های قابل توجهی برخوردارند. بیان این مهم می‌تواند زمینه گفت‌وگوی ادیانی و هم‌گرایی میان آنها را فراهم سازد. این پژوهش با این هدف و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، گستره آیین‌های مذهبی، شعائر و نمادهای دینی شیعه و کاتولیک را مقایسه نموده، در بررسی مقایسه‌ای اشتراکات و تمایزات آنها را برجسته نموده است. از جمله اشتراکات آنها این است که هریک بر این مسئله اذعان دارند که شعائر دینی منحصر در امور منصوص نمی‌شود. بر این اساس، عرف متدینان مجاز هستند که با حفظ شرایط، شعائر دینی را به غیر موارد منصوص سرایت دهند. همچنین هر دوی آنها در دین خود، با گرایش‌های مخالفی روبه‌رو هستند که هرگونه دخالت عرف در حوزه، مناسک و شعائر را مصداق بدعت می‌شمارند. با وجود چنین اشتراکاتی، تمایزاتی نیز در این عرصه میان آن دو مذهب وجود دارد: از جمله اینکه شعائر منصوص کاتولیک بسیار اندک و ناچیز است. از این‌رو، هرگز قابل مقایسه با شعائر منصوص شیعه نیست. این امر، بیش از هر چیز بیانگر جایگاه ویژه شعائر و مناسک دینی نزد شیعه و حاکی از وثاقت حداکثری آن است.

کلیدواژه‌ها: شعائر دینی، شیعه، کاتولیک، آیین‌های مقدس، شعائر نوظهور، بدعت.

دین، مصادیقی را هرچند نوظهور، به‌عنوان شعائر معرفی و پیشنهاد دهند؟ نظر کلیسای کاتولیک درباره شعائر و مناسک نوظهور دین چیست؟ و اساساً در این زمینه مذهب کاتولیک چه جایگاهی را برای عرف متدینان در نظر می‌گیرد؟ چه اشتراکاتی میان شیعه و کاتولیک، در حوزه گستره شعائر و آیین‌های مقدس، وجود دارد؟ سرانجام اینکه تمایزات این دو مذهب در این زمینه چیست؟

برخی آثار، گستره شعائر و مناسک شیعه و کاتولیک را به صورت مجزا بررسی کرده‌اند. از یک‌سو، حکیم (۱۴۲۴ق)، ضمن اثری با عنوان *الشعائر الدینیة نقد و تقییم* و نیز علی‌نیا خطیر (۱۳۹۰)، در کتابی با عنوان *حکومت اسلامی و اقامه شعائر دینی* گستره شعائر شیعه و از سوی دیگر، کلیسای ایتیکان ضمن مجموعه‌ای با عنوان *Catechism of the Catholic Church* و نیز مک‌گراث (۱۳۹۲)، در *درسنامه الهیات مسیحی* به اجمال، گستره شعائر کاتولیک را بررسی نموده‌اند. با وجود این، اثری که گستره شعائر و مناسک این دو مذهب را با یکدیگر مقایسه کرده باشد، یافت نشد. این تحقیق، با هدف مزبور و در راستای پاسخ به پرسش‌های پیشین، آیین‌ها، مناسک و شعائر شیعه و کاتولیک را به صورت مستقل بررسی کرده، سرانجام در بخش پایانی، به مقایسه آن دو پرداخته است.

### مفهوم و ماهیت شعائر

«شعائر» واژه‌ای عربی و از ریشه «شعر» است. این واژه، جمع مکسر و وزن آن فعائل می‌باشد. مفرد آن، شِعار یا شعیره بوده و در لغت به معانی گوناگونی آمده است. عام‌ترین و اصلی‌ترین معنای آن عبارتند از: «مطلق علامت و نشانه» (فراهدی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۰ و ۲۵۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۶). واژه «شعائر» در اصطلاح، به معنای خاص‌تری به کار می‌رود که معادل «نماد» و «سمبل» می‌باشد. مقصود از آن، علامت و نشانه آشکاری است که قرارداد شده باشد (حکیم، ۱۴۲۴ق، ص ۲۰؛ محسنیان‌راد، ۱۳۶۹، ص ۲۰۲). شعائر بدین معنا، دست‌کم دارای سه ویژگی مهم می‌باشد؛ نخستین ویژگی شعار مربوط به «علامت بودن» آن است که از آن به‌عنوان حکایت‌گری تعبیر می‌شود. بُعد دوم، نمود و بروز و ویژگی سوم، قراردادی یا وضعی بودن آن است. بر این اساس، هرگونه نشانه و علامتی که مخفی بوده و یا صرفاً نشانه تکوینی باشد، بدون آنکه برای این منظور وضع شده باشد، از تعریف شعار خارج می‌باشد.

شعائر در اصطلاح، گاه با قیودی همراه است که یکی از پرکاربردترین آنها، «شعائر دینی» است. معادل این واژه در زبان انگلیسی که زبان بیشتر مسیحیان است، عبارتند از: «Rite of Religious» و «Symbol of Religious» و مقصود از آن عبارتند از: دسته‌ای از نمادهای دینی که آشکار بوده، وضع

شده‌اند تا خدا را به یاد آورند و بیانگر هویت دینی متدینان باشند. بر این اساس، نمادهای دینی منحصر به اشکال و صور نخواهد بود، بلکه هر چیزی در دین که دارای سه بُعد مزبور باشد، نماد تلقی می‌شود. اگرچه انسان، فعل، گفتار، زمان، مکان یا شیء باشد (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۳۸ و ۳۹).

از اینجا می‌توان به تفاوت دو اصطلاح «شعائر دینی» و «شریعت» پی برد. دو اصطلاح مزبور، اگرچه دارای مصادیق مشترک فراوانی بوده و در بسیاری از کاربردها به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما «شریعت» در معنای خاص خود، به مجموعه‌ای از آیین‌ها و آداب و رسوم دینی اطلاق می‌شود که مترادف با فقه و مناسک بوده، شامل باید‌ها و نباید‌های دینی می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۵۰ و ۳۵۱). شریعت به این معنا، از سنخ فعل است و شامل انسان‌ها، گفتارها، زمان‌ها، مکان‌ها و اشیا نمی‌شود. از سوی دیگر، آداب و رسوم دینی، ممکن است به صورت انفرادی و بدون هرگونه نماد و نمود انجام شود. در این صورت، نمی‌توان عنوان «شعار دینی» را بر آن اطلاق کرد (اربابی، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی، «شعائر دینی» در مقایسه با سایر بخش‌های دین، یعنی عقاید، شریعت و اخلاق، به‌عنوان یک بخش مجزا و مستقل به‌شمار نمی‌رود، بلکه در حقیقت شعارها، قالب‌هایی برای افشا و اعلان مضامین اعتقادی، احکام شرعی و اخلاقی هستند؛ مضامینی که به‌واسطه نظامی از نمادها و علائم، قابلیت تجلی داشته، و به شکل ملموس ارائه می‌شوند. از این رو، جامعه‌شناسان از شعائر، به‌عنوان بُعد چهارم فرهنگ یاد می‌کنند که می‌تواند همه ابعاد فرهنگ اجتماعی یعنی جهان‌بینی، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها را تحت پوشش خود قرار دهد (مک لولین، ۱۳۸۳، ص ۸۹).

### گستره شعائر و مناسک شیعه

شیعه به‌عنوان پیروان حقیقی دین اسلام، همچون صاحبان بسیاری از ادیان و مذاهب، از شعائر، مناسک، آیین‌ها و نمادهای دینی بسیاری بهره‌مند است. این شعائر و نمادهای گوناگون، به جهت نوع استنادشان به متون دینی، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. شعائر منصوص. دسته‌ای از نمادهای دینی که مستقیماً مستند به قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام باشد، «شعائر منصوص» یا «شعائر دین» نامیده می‌شود، اعم از اینکه به صراحت در متون دینی به نام «شعائر» خوانده شده باشند، یا نه. آیین حج، نماز جمعه، نماز جماعت، اذان، ذکر «بسم الله الرحمن الرحیم»، «لااله الاالله»، سلام کردن، صلوات بر پیامبر اکرم و خاندان ایشان و... از جمله این شعائر هستند.

۲. شاعران غیرمنصوص. آن دسته از نمادهای دینی که مسلمانان بر پایه فهم خود از دین و با الهام از دستورات کلی موجود در منابع دینی، به شکل غیرمستقیم دریافت کرده، خود را مقید به مراعات آنها می‌دانند، «شاعران غیرمنصوص» نامیده می‌شود. از این دسته شاعران، با نام‌های دیگری همچون «شاعران متدینان»، «شاعران عرفی»، «شاعران مستحدثه» و «شاعران نوظهور» نیز یاد می‌شود. نوع معماری مساجد، بزرگداشت برخی اعیاد از جمله میلاد حضرات معصومین علیهم‌السلام، سینه‌زنی و استفاده از عَلم در مجالس عزاداری و... نمونه‌هایی از این شاعران هستند (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۴۳).

با توجه به اینکه احکام هر یک از شاعران منصوص و غیرمنصوص متفاوت از دیگری است، گستره شاعران شیعه را در هر حوزه به طور مستقل بررسی خواهیم کرد.

### ۱. گستره آیین‌ها و شاعران منصوص

با مراجعه به قرآن کریم، فقط چهار آیه را می‌یابیم که در آنها از عنوان «شاعران الله» استفاده شده، وجه مشترک همه آنها، این است که جملگی دربارهٔ مناسک و آیین عبادی حج هستند. خداوند در آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تجلوا شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدمی ولا القلائد ولا آمین البیت الحرام» (مانده: ۲)، پس از تبیین جایگاه شاعران الهی و منع از هتک حرمت نسبت به آنها، از ماه حرام، قربانی حج و کسانی که عزم سفر حج کرده‌اند، به‌عنوان مصادیقی از «شاعران الله» یاد می‌کند. همچنین در آیه «ان الصفا والمروة من شعائر الله» (بقره: ۱۵۸)، صفا و مروه به‌صورت ویژه از جمله شاعران الله خوانده شده است. سرانجام، در آیات «ذلک و من یعظم شعائر الله فانیها من تقوی القلوب لکم فیها منافع الی اجل مسمی ثم محلها الی البیت العتیق» (حج: ۳۲ و ۳۳)، و نیز در آیه «والابدان جعلناها لکم من شعائر الله لکم فیها خیر» (حج: ۳۶)، حیوانی که برای قربانی حج در نظر گرفته می‌شود، به طور ویژه به‌عنوان «شاعران الله» معرفی شده، بزرگداشت آن نشانه تقوای قلوب و خیر قلمداد شده است.

با تتبع در روایات اهل بیت علیهم‌السلام درمی‌یابیم که ایشان هرگاه عنوان «شاعران الله» را به کار برده‌اند، مقصودشان همان مناسک حج بوده است. مثلاً، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روز عید قربان، راجع به قربانی حج می‌فرماید: «اینها الناس من كان عنده سعة فليعظم شعائر الله و من لم تكن عنده سعة فان الله لا يكلف نفساً إلّا وسعها» (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۶۵۶)؛ ای مردم، هر کس که توانایی دارد شاعران الهی را تعظیم نماید؛ و هر کس نمی‌تواند خداوند هیچ کس را جز به‌قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. همچنین امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ قربانی حج از اصطلاح «شاعران الله» استفاده کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۱۰۵، ح ۷۸۵۷).

روایاتی نیز وجود دارد که در آنها از مشتقات واژه «شاعران» استفاده شده است. این روایات، به‌طور کلی به دو بخش قابل تقسیم‌اند: برخی به مناسک حج اشاره دارند. همچون روایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره تبلیغ که از آن به‌عنوان «شاعر حج» یاد می‌کنند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۷۷، ح ۱۰۶۰۵)؛ و برخی نیز اساساً ارتباطی با معنای اصطلاحی شاعر نداشته، بلکه دیگر معانی لغوی آن را مد نظر داشته‌اند (نهج‌البلاغه، خ ۱۵۴، ص ۲۱۵، خ ۲۶، ص ۶۸).

مباحث گسترده‌ای در خصوص شاعران الله قرآنی و روایی قابل طرح است. از جمله اینکه، آیا قرآن کریم «واژه» شاعران را در همان معنای مصطلح رایج به کار برده، یا اینکه معنای دیگری مد نظر دارد؟ چرا قرآن کریم «شاعران الله» را در مورد مناسک حج به کار برده است؟ آیا قرآن کریم درصدد احصای شاعران الله بوده، یا صرفاً درصدد پاسخ به برخی مسائل مطرح در عصر نزول به موارد خاصی از آن اشاره کرده است؟ آیا احکامی که در قرآن کریم متوجه شاعران الله گردیده، از جمله توصیه به تعظیم آنها و منع از هتک حرمت و...، قابلیت تسری به سایر شاعران را دارند؟ پاسخ هر یک از این پرسش‌ها، نیازمند تحقیقات مستقل بوده، از عهده این نوشتار خارج می‌باشد؛ چراکه هدف از این تحقیق، بررسی گستره آیین‌ها، مناسک و شاعران شیعه است، نه خصوص آنچه در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به صراحت «شاعران الله» نامیده شده است.

در پاسخ به این سؤال، می‌توان گفت: بزرگان شیعه، اگرچه در کم و کیف شاعران منصوص با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند، اما جملگی بر این باورند که آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، هرگز در مقام منحصر کردن مصادیق شاعران الله به مناسک حج نبوده، بلکه هر آن چیزی که از ناحیه شرع مقدس به‌طور خاص، دستوری مبنی بر اعلان و اظهارش به ما رسیده باشد، می‌تواند جزئی از شاعران الله به‌شمار آید، هرچند به صراحت شعار خوانده نشده باشد (مغنیه، ۱۳۶۹، ص ۱۰۵). این دیدگاه را به روشنی در کتب تفسیر قرآن، ذیل آیات شاعران و نیز در کتب فقهی می‌توان رصد کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۶۳؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۳، ص ۱۳۷؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۹۷؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۹۴ و ۲۹۵).

برخی از مهم‌ترین شاعران منصوص، که در منابع دینی اسلام و به‌طور خاص مذهب تشیع، مورد توصیه قرار گرفته و از متدینان خواسته شده است که به انجام یا بزرگداشت آن مبادرت ورزند و در به نمایش گزاردن آنها، در مرئی و منظر صاحبان دیگر ادیان و مذاهب همت گمارند، عبارتند از: انبیا و اولیای الهی علیهم‌السلام، حج، نماز جماعت، نماز جمعه و نماز عیدین، اذکار و اوراد نمادین، مساجد و

زیارتگاه‌ها، اعیاد و مناسبت‌های دینی، تقویم قمری، ماه‌های حرام، تاریخ هجری، قرآن کریم و سایر شعائر شیعی مانند اذان، وضو، جهت قبله، سجده بر خاک، عزاداری بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، زیارت مشاهد مشرفه، تبرک و توسل، آداب و رسوم ویژه فرزندان تازه متولدشده و ... .

## ۲. گستره آیین‌ها و شعائر غیرمنصوص

برخی مدعی شده‌اند که هر پدیده نوینی، ملازم با نوعی بدعت است. این سخن غالباً از سوی تفکر وهابیت مطرح می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۶۹). فقهای شیعه معتقدند که اگرچه شعائر الله تعبدی هستند، اما این سخن هرگز به معنای این نیست که شارع مقدس با هرگونه مداخله عرف در این زمینه مخالفت کرده باشد. به عبارت دیگر، شارع مقدس نه تنها در مفهوم «شعائر»، به فهم عرفی اکتفا نموده و دست به وضع معنای جدید زده است، بلکه حتی در مصادیق آن نیز به انتخاب عرف متدینان اعتماد کرده، با حفظ شرایط، آن را امضا، تأیید و در پاره‌ای موارد، توصیه به آن نموده است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۷۵ و ۷۶؛ موسوی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۳۶؛ حکیم، ۱۴۲۴ق، ص ۲۱). برای نمونه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی می‌فرماید: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۳۷۲، ح ۸۲۱۷)؛ هر کس سنت و قانون نیکی را بنیان گذارد، پاداشش از آن اوست و از ثواب همه آنان که تا روز قیامت بدان عمل می‌کنند، بهره می‌برد، بی‌آنکه از ثواب خود آنان چیزی کاسته شود. حال سؤال این است: اگر فقط بایستی به شعائری که در سنت رواج دارد اکتفا نمود، پس سنت‌گذاری چه معنایی دارد؟ به طور قطع، سنت‌گذاری در این موارد، هرگز به معنای تشریح جدید و بدعت نیست، بلکه مقصود نهادینه ساختن سنت در قالب‌های جدید است و اتفاقاً جعل شعائر نوظهور نیز به همین معناست.

بر این اساس، هرگز نمی‌توان تعداد مشخصی را برای شعائر غیرمنصوص شیعه در نظر گرفت، بلکه آنها قابلیت دارند که از یک جامعه شیعی، به جامعه شیعی دیگر و بسته به نیاز هر منطقه در طول زمان، تفاوت کرده، یا کم و زیاد شوند. از این رو، در موارد گوناگون فقهای شیعه، به صراحت مصادیقی را به‌عنوان «شعائر» خوانده‌اند که چه‌بسا اصل آن و یا شکل امروزی آن، در زمان حضرات معصومین علیهم‌السلام سابقه نداشته است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به اموری چون جشن مولود ائمه اطهار علیهم‌السلام، بزرگداشت علما و شهدای دین، سینه‌زنی در مراسم عزاداری بر امام حسین علیه‌السلام، ساخت گنبد و گلدسته و بارگاه مساجد و مشاهد مشرفه، ساخت حسینیه‌ها، نوع پوشش زنان و نیز لباس روحانیت، کتب دینی در حوزه اسلام و

تشیع، راهپیمایی‌ها و جشن‌های انقلاب اسلامی، جلوه‌های هنری مربوط به دین اسلام و... اشاره کرد که در سخنان بزرگان شیعه به‌عنوان «شعائر الله» معرفی شده‌اند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۳۲۸؛ مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ص ۳۶۰-۳۹۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص ۴۳۵ و ۴۳۶).

شعائر، آیین‌ها و مناسک دینی شیعه، شامل طیف وسیعی از آداب و رسوم می‌شود که شئون مختلف زندگی شیعیان را دربر گرفته است. در این میان، شعائر غیرمنصوص دوشادوش شعائر منصوص، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. در حقیقت، باید بخشی از پویایی و سرزندگی دین اسلام را مرهون مشروعیت این نوع از شعائر و نمادهای دینی دانست. به عبارت دیگر، آنگاه که به عرف جوامع اسلامی این اجازه داده می‌شود که مناسک و شعائر دینی را در چارچوب دستوراتی که از دین به آنها رسیده است، با فرهنگ و آداب و رسوم خویش پیوند دهند، نه تنها این پیوند به‌خودی‌خود، موجب اضمحلال دین نمی‌شود، بلکه تشریح آن، نمایانگر غنای دین اسلام بوده، روزآمدی آن را به دنبال دارد.

هرچند، این دسته از شعائر و آیین‌های دینی، علی‌رغم همه فواید و کاربردهایی که دارند، گاهی اوقات منشأ برخی بدعت‌ها و اعمال نادرست در دین می‌شوند و ورود آنها به عرصه دین به‌طور طبیعی نگرانی‌هایی را به دنبال خواهد داشت. از این رو، لازم است آنچه به‌عنوان شعائر و مناسک نوظهور جلوه می‌کند، پیش از هر چیز دارای ملاک‌ها و معیارهای شرعی باشد. از سوی دیگر، مرجع تشخیص ملاک‌های لازم برای جعل شعائر، علمای دین و کارشناسان امور دینی هستند. بنابراین، حتی اگر اختیار ابداع مصادیق جدید به عموم متدینان واگذار شود، لازم است این کار تحت اشراف متخصصان امور دینی انجام شود؛ چراکه عرف متدینان به‌خودی‌خود، نقشی جز معرفی و پیشنهاد گزینه‌های جدید برای شعائر و مناسک دینی ندارند. در نهایت، این عالمان دین هستند که باید مشروعیت و عدم مشروعیت آن امور را از منابع دینی استنباط کنند.

## گستره شعائر و مناسک کاتولیک

اگرچه مسیحیت، به یک معنا دین بدون شریعت است؛ یعنی نسبت به سایر ادیان الهی، همچون یهودیت و اسلام، تقریباً بایدها و نبایدها یا همان واجبات و محرمات در آن وجود ندارد، اما در میان مذاهب مسیحی، مذهب کاتولیک به نوبه خود، دارای طیف گسترده‌ای از شعائر و نمادهای دینی است. به‌طور کلی، شعائر و آیین‌های مقدس کاتولیک را می‌توان به دلیل نوع انتسابشان به عیسی مسیح علیه‌السلام، به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۱. آیین‌های مقدس: مهم‌ترین بخش از شعائر مسیحیت را آیین‌های مقدس تشکیل می‌دهند. واژه «سکرمنت» (Sacrament) که برای اشاره به آیین‌های مقدس به کار برده می‌شود، در لغت به معنی «رسم دینی» و «آیین مقدس» است (آریان‌پور و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۴۷۸۳) و مراد از آن در اصطلاح، عبارتند از: «نشانه‌های محسوس از فیض نامحسوس الهی که به موجب شباهتشان با امور قدسی و وضعشان از سوی عیسی مسیح، موجب تقدیس شئون مختلف زندگی می‌شوند» (مک‌گراث، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۷۷۸-۷۸۰).

۲. ملحقات آیین‌های مقدس: بخش دوم از شعائر مسیحی را ملحقات آیین‌های مقدس تشکیل می‌دهد. واژه «سکرمنتال» (Sacramental)، که اشاره به این آیین‌های مسیحی دارد، در لغت به معنای «وابسته به امور مذهبی» است (آریان‌پور و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۴۷۸۳) و مراد از آن در اصطلاح، عبارتند از: «امور مقدسی که در صف آیین‌های مقدس قرار ندارند، اما به جهت شباهت یا ارتباطی که با آنها دارند، از سوی کلیسا و نه از سوی مسیح ﷺ، به‌عنوان مکملی برای آیین‌های مقدس قرار داده شده‌اند». ملحقات آیین‌های مقدس، که گاه از آن با نام «شبه آیین‌ها» یاد می‌شود، نشانه‌های مقدسی هستند که اگرچه خود فیض‌رسان نیستند، اما انسان را مهیای دریافت فیض خداوندی ساخته، و به وقایع گوناگون زندگی، تقدس می‌بخشند (آبت، ۱۹۶۶، ص ۱۵۸؛ کتکیزم، ۱۹۹۹م، بند ۱۶۶۷-۱۶۷۰، ص ۳۷۲-۳۷۵).

هریک از آیین‌های مقدس و ملحقات آن، دارای مصادیق و احکام خاص خود هستند. از این‌رو، ضروری است که گستره آن دو، مستقل از یکدیگر ارزیابی شود.

### ۱. گستره آیین‌های مقدس

همواره در مسیحیت، به موازات اختلاف در ماهیت آیین‌های مقدس، در گستره آنها نیز اختلاف‌نظر وجود داشته است. از این‌رو، آیین‌های مقدس در طول تاریخ مسیحیت، دستخوش تغییر و تحولات کمی فراوانی قرار گرفته‌اند. در این زمینه، به‌طور خاص می‌توان به کلیسای اولیه اشاره کرد. در کلیسای اولیه، فقط سه آیین جزو آیین‌های مقدس شمرده می‌شد: تعمید، عشاء ربانی و انتصاب. سایر آیین‌های هفت‌گانه که امروزه رواج دارد، اگرچه از همان زمان در آداب و رسوم محافل مذهبی کمابیش وجود داشتند، اما به‌طور رسمی جزو آیین‌های مقدس شمرده نمی‌شدند (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۵۴۱ و ۵۲۸). به تدریج، همراه با گسترش مسیحیت در جهان و قدرت یافتن آن، تعداد این آیین‌ها رشد

فزاینده‌ای یافت. سده چهارم میلادی، اوج قدرت مسیحیت است. در آن زمان، کنستانتین با قدرتی بی‌بدیل، حکومتی واحد و یکپارچه‌ای تشکیل داد و در سال ۳۱۳ میلادی، مسیحیت را دین رسمی امپراتوری خود اعلام کرد. بدین وسیله، مسیحیت جانی تازه گرفت و مسیحیان توانستند آزادانه دین خود را تبلیغ نموده، و گسترش دهند. به موازات قدرت یافتن مسیحیت، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که تعداد آیین‌های مقدس رو به افزایش نهاد. در این دوره، واژه «سکرمنت»، تقریباً بر کلیه چیزهایی که مقدس بود، همچون تعمید، صلیب و دعا اطلاق می‌شد (همان).

تعریف آیین مقدس در کلیسای قدیم، کاملاً انعطاف‌پذیر بود، به‌گونه‌ای که گویا تعداد آنها در حال نوسان بوده است. برخی متألهان این دوره، از جمله آگوستین، به‌هیچ‌وجه مصادیق آیین‌های مقدس را محدود به آیین‌های هفت‌گانه نمی‌دانستند و تعریفی نسبتاً عام برای آنها ارائه می‌دادند. از نظر آگوستین، اموری همچون اعتقادنامه‌ها، عید پاک و حتی دعای خداوند، جزئی از آیین‌های مقدس شمرده می‌شدند (دورانت، ۱۳۷۱، ج ۴، بخش ۲، ص ۹۹۱). در قرن هفتم میلادی، قدیس /یزیدور (Isidore)، الهی‌دان اسپانیایی، آیین‌های مقدس را به تعمید، تأیید و عشاء ربانی محدود ساخت، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که روند رو به رشد آیین‌ها، همچنان ادامه داشت، به‌گونه‌ای که تا پیش از قرن دوازدهم میلادی، تعداد این آیین‌ها در کاتولیک به ۳۰ عدد رسید (ویلسون، ۱۳۸۶، ص ۶۸).

در اوایل قرون وسطا، که آیین‌ها و شعائر در صدر امور بودند، رفته‌رفته این احساس پدید آمد که باید آیین‌های مقدس را تحت ضوابطی قرار داد. از جمله اینکه در نیمه نخست قرن دوازدهم میلادی، هیو (Hugh) الهی‌دان پارسی، آیین‌های مقدس را منحصر و مشروط به اموری دانست که توسط عیسی مسیح ﷺ جعل شده‌اند (هیو، ۱۹۶۲م، کتاب ۹، ص ۲). این شرط، بعدها مورد قبول سایر الهی‌دانان کاتولیک قرار گرفت و شورای ترینت (۱۵۴۵-۱۵۶۳م) نیز بر آن تأکید نمود (شَف، ۱۹۱۹م، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۱۰؛ وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۳۶۹).

اگرچه با معیارهای هیو، از تعداد آیین‌ها کاسته و اموری چون اعتقادنامه‌ها از تعریف خارج شدند، اما هنوز از نگاه وی آموزه‌هایی مانند تجسد، کلیسا و مرگ، جزو آیین‌های مقدس تلقی می‌شد. افزون بر اینکه، تعریف او شامل آیین اعتراف نمی‌شد، درحالی‌که در عصر وی، آیین‌های هفت‌گانه از جمله اعتراف، به‌طور اجماعی از آیین‌های مقدس به‌شمار می‌رفتند. بنابراین، عمل و نظر به‌طور جدی با یکدیگر مغایرت داشتند و حل این مشکل فوریت یافت. سرانجام، پیترو لومباردی (Peter Lombard) در همین قرن، آخرین جرح و تعدیل‌ها را در تعریف آیین مقدس ایجاد کرد (لومباردی، ۱۸۴۱م، ج ۴، ص ۱۱۰). (ii.1).

حاصل فعالیت او، به رسمیت شناخته شدن هفت آیین، به‌عنوان آیین‌های مقدس بود که تاکنون نیز مورد تأیید کلیسای کاتولیک و نیز ارتدوکس است. این آیین‌ها عبارتند از: آیین تعمید، تأیید، عشای ربانی، اعتراف، ازدواج، انتصاب و تدهین بیماران. مجموعه آنها، آیین‌های مقدس هفت‌گانه (The Seven Sacraments) نامیده می‌شوند (کنکیزم، ۱۹۹۹م، بند ۱۲۱۰، ص ۲۷۶؛ لورنس، ۲۰۰۹م، ص ۱۰).

این دیدگاه تا زمان نهضت اصلاح دینی، تقریباً مخالفی نداشت، تا اینکه لوتر، در سال ۱۵۲۰ میلادی، در رساله اصلاحی خویش به نام *اسارت بابلی کلیسا*، به‌طور اساسی از تفسیر کلیسا نسبت به آیین‌های مقدس انتقاد کرد. درحالی‌که کلیسای کاتولیک روم، هفت آیین را به رسمیت می‌شناخت، لوتر تنها دو آیین تعمید و عشای ربانی را پذیرفت (لوتر، ۱۸۸۸م، ج ۶، ص ۵۰۹-۵۱۴). لوتر، اگرچه بر این باور بود که مسیح علیه‌السلام امر به پنج آیین دیگر نکرده است، اما هرگز معتقد نبود که نباید بدان‌ها عمل شود. تنها چیزی که لوتر به‌طور کلی با انجام آن مخالفت می‌کرد، اعتراف علنی بود. او اعتراف علنی را نه آیین مقدس می‌دانست، نه رسم مذهبی، بلکه صرفاً یک بدعت می‌شمرد (آلدر، ۱۳۲۶، ص ۶۵؛ بام استد و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۹۰ و ۷۹۱).

شخصیت دیگر نهضت اصلاحی، *اولریش تسوینگلی* (Ulrich Zwingli) از لوتر فراتر رفته، اساساً با انجام هرگونه تشریفات عبادی، که در کتاب مقدس نباشد، مخالفت کرد. او معتقد بود: مسیحیان باید فقط بر طبق احکام کتاب مقدس عمل نمایند. این رویکرد، متفاوت با آن چیزی بود که لوتر اعتقاد داشت. لوتر آیین‌های دیگر را به‌جز اعتراف، اگرچه آیین مقدس نمی‌خواند، اما آنها را مشروع می‌دانست؛ چراکه اساساً بر این باور بود که انجام هر یک از تشریفات دینی، که در کتاب مقدس نهی صریح نسبت به آن نباشد، جایز است (ناس، ۱۳۹۰، ص ۶۷۲).

شورای ترنت با رد نظریه لوتر و سایر اصلاح‌گران، همان هفت آیین را برای کلیسای کاتولیک روم حفظ کرد و به آنها رسمیت بخشید. در بخشی از مصوبات این شورا آمده است:

اگر کسی بگوید که تمامی آیین‌های مقدس در شریعت جدیدی توسط عیسی مسیح خداوند ما وضع نشده یا اینکه تعداد آنها کمتر و یا بیشتر از هفت عدد یعنی تعمید، تأیید، عشای ربانی، توبه، تدهین، دست‌گذاری و ازدواج است، یا اینکه هر یک از این هفت موارد به‌درستی و یا فی حد ذاته یک آیین مقدس نیست، محکوم است (دنزینگر، ۲۰۰۱م، ص ۵۲۲ و ۵۲۳).

مصوبه شورای ترنت به‌روشنی نشان می‌دهد که کلیسای کاتولیک، آیین‌های مقدس را تنها هفت عدد و همگی را منتسب به وضع از سوی عیسی مسیح می‌داند. با وجود این، کلیسای کاتولیک تصریح می‌کند که زمان وضع همه آنها توسط آن حضرت معلوم نیست. در میان آیین‌های

هفت‌گانه، فقط زمان وضع تعمید، عشای ربانی، انتصاب و توبه به دست عیسی مسیح مشخص است، اما درباره تأیید و تدهین بیماران می‌توان گفت که آشکارا توسط رسولان انجام می‌شد و ازدواج نیز در کتاب مقدس دارای ویژگی‌های آیینی دانسته شده است (برانتل، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳). اگرچه کلیسای کاتولیک بر این ادعا اصرار دارد، اما با مراجعه به کتاب مقدس می‌توان گفت: نه تنها زمان وضع برخی آیین‌ها، بلکه حتی اصل وضع آنها توسط مسیح علیه‌السلام با گونه‌ای ابهام مواجه است. به عبارت دیگر، جز آیین تعمید و عشای ربانی، دلیلی از کتاب مقدس مبنی بر اینکه آیین‌های مقدس توسط عیسی مسیح علیه‌السلام وضع شده باشند، وجود ندارد. حتی درباره آیین انتصاب، گزارشی مبنی بر اینکه آن حضرت سفارش به انجام این عمل کرده باشند، وجود ندارد.

مسئله دیگر مربوط به انحصار آیین‌های مقدس، به عدد هفت است. چنانچه اشاره شد، متألهان بزرگ مسیحی در قرون اولیه، همچون آگوستین، هرگز به این مسئله اعتقادی نداشتند. از سوی دیگر، تعریفی که در نهایت از پیتر لومباردی مورد پذیرش کلیسای کاتولیک قرار گرفت، به‌درستی نمی‌تواند این انحصار را به اثبات رساند. برای نمونه، دعا یکی از آیین‌های مسیحی است که به‌روشنی در کتاب مقدس مورد تأکید عیسی علیه‌السلام قرار گرفته، ولی مسیحیان آن را جزو آیین‌های مقدس نمی‌دانند. پاسخ به این پرسش را باید در مبانی الهیاتی کلیسای کاتولیک جست‌وجو کرد. این کلیسا، برخلاف آنچه کلیسای پروتستان بر آن تأکید دارد، منابع دین مسیحیت را به کتاب مقدس منحصر ندانسته، سنت کلیسایی را هم به‌عنوان یک منبع پویا و زنده در دین مسیحیت معرفی می‌کند. این ویژگی خاص کلیسای کاتولیک و البته کلیسای ارتدوکس است که آنها را از کلیساهای پروتستان متمایز می‌کند و بر پایه آن، سنت کلیسایی، یا همان سنت شفاهی مسیحیان، مکمل کتاب مقدس یا همان سنت مکتوب خواهد بود (ویور، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲-۱۲۴).

به‌هرحال، فارغ از صحت و سقم ادعای کلیسای کاتولیک، در رابطه با انتساب همه آیین‌ها به وضع عیسی علیه‌السلام و نیز در محدود ساختن آنها به هفت مورد، آنچه مسلم است، کلیسای کاتولیک حق هیچ‌گونه دخالتی به عرف، برای جعل آیین‌های مقدس جدید را نمی‌دهد. به عبارت دیگر، مسیح علیه‌السلام آیین‌های مقدس را وضع کرده، فقط او می‌تواند مسیرهایی را که فیض با آنها وارد جان انسان می‌شود، معین کند و حتی خود کلیسا نیز نمی‌تواند به آیین‌های مقدس افزوده یا از آنها بکاهد.

## ۲. گستره ملحقات آیین‌های مقدس

بخش دوم شعائر مسیحی، ملحقات آیین‌های مقدس می‌باشند. این دسته از مناسک و شعائر، در مقایسه با آیین‌های مقدس هفت‌گانه، بسیار گسترده بوده، شامل طیف وسیعی از آداب و رسوم

مسیحی می‌شوند. برکت‌ها، انواع بزرگداشت‌ها، اعم از جشن و عزاداری، زیارت اماکن قدسی، تبرک و توسل. سایر شعائر مسیحی مانند نوع پوشش روحانیت کلیسا، جلوه‌های هنری دین مسیحی، نیایش جمعی، زبان لاتین، کلیسا و زیارتگاه‌ها، مناسبت‌های دینی، تاریخ میلادی، کتاب مقدس، صلیب، تسبیح مریم مقدس ﷺ و ناقوس، تنها بخشی از شعائر و یا آیین‌های مسیحی و البته بخش مهم آن را تشکیل می‌دهند.

فراوانی و شمول شعائر مسیحی در قالب ملحقات آیین‌های مقدس، به آنچه تاکنون به این نام معرفی شده، منحصر نیست، بلکه کلیسا می‌تواند با توجه به موقعیت‌های گوناگون حیات مسیحی، آیین‌های جدیدی را برای تقدس بخشیدن به برخی خدمات کلیسایی، حالات خاص زندگی و امور فراوانی، که برای انسان مفیدند و در نهایت، به‌منظور غنای هرچه بیشتر دین مسیحیت، ارائه دهد. در این زمینه، نباید نقش عرف در وقایع نوظهور دین مسیحیت، نادیده انگاشته شود. این همان چیزی است که در اصطلاح مسیحیت، تحت عنوان «Popular Piety» و «Popular devotions» مطرح می‌شود که به معنای دین‌داری عرفی بوده و مراد از آن، آداب و رسومی است که وارد دین شده‌اند، اما منشأ عرفی دارند (کتکیزم، ۱۹۹۹م، بند ۱۶۶۸ و ۱۶۷۴، ص ۳۷۳ و ۳۷۴).

اما چگونه می‌توان این مسئله را با مبانی کلیسای کاتولیک، که مشروعیت را به‌طور خاص در کتاب مقدس و سنت کلیسایی جست‌وجو می‌کند، سازگار دانست؟ از دیدگاه کلیسای کاتولیک، اساساً زمانی یک شعار، می‌تواند شعار مسیحی نامیده شود که یا شخص مسیح ﷺ آن را بنیان نهاده باشد، یا دست‌کم، نهاد کلیسا، که مشروعیت خویش را از مسیح ﷺ دریافت کرده است، آن را تأسیس نماید. گروه نخست را «آیین مقدس» و گروه دوم را «ملحق به آیین‌های مقدس» می‌خوانند. در این صورت، چه جایگاهی را می‌توان برای عرف در نظر گرفت؟

حقیقت این است که کلیسای کاتولیک، در مواجهه با گسترش روزافزون جوامع مسیحی و نیز تحولات جدیدی که در جوامع مدرن در حال شکل‌گیری بود، چاره‌ای جز این نداشت که بیش از پیش، دین‌داری عرفی را مورد اهتمام قرار دهد. البته التزام به مشروعیت دین‌داری عرفی، در گذشته نیز مورد تأیید کلیسای کاتولیک بوده است، ولی در شورای دوم واتیکان، این مسئله به‌طور جدی‌تر مورد توجه قرار گرفت. این شورا، که خواستار بازنگری در آیین‌های عبادی کلیسا و روزآمد کردن آنها، در پرتو سنت کلیسایی بود، ضمن ارائه مصوبه‌ای در سال ۱۹۶۳ میلادی، نشان داد که در الهیات مسیحی، ابتدای مشروعیت بر مسیح ﷺ و کلیسا، هرگز به معنای نادیده گرفتن

نقش عرف در شعائر مسیحی نیست. شورای مزبور، طی این مصوبه اعلام کرد که تأسیس یک آیین به‌واسطه کلیسا، به‌نوبه خود، می‌تواند مبتنی بر تأسیس عرف باشد. بدین صورت، علاوه بر مراسم عبادی آیین‌های مقدس و نیز آنچه به‌عنوان «ملحقات آیین‌های مقدس» پذیرفته شده‌اند، آشکال پارسای و دین‌داری عرفی نزد مؤمنان را در صورتی که تحت اشراف و نظارت کلیسا بوده، با عقاید و مناسک مسیحی سازگار باشند، مشروع می‌دانست. به‌موجب این مصوبه، مسیحیان مناطق گوناگون می‌توانستند عناصری از فرهنگ بومی خویش را در عبادات مسیحی دخالت دهند و آنها را بومی‌سازی نمایند (همان).

در این شورا برای نخستین‌بار، تغییر در زبان عبادی، به‌عنوان نمونه‌ای از دین‌داری عرفی مجاز شمرده شد و به‌موجب آن، مسیحیان مناطق گوناگون می‌توانستند حتی آیین‌های مقدس را نیز به زبان‌های محلی و غیرلاتین برگزار نمایند (آبت، ۱۹۶۶م، ص ۱۵۱ و ۱۵۹). درحالی‌که تا پیش از این، اعمال هرگونه تغییر در زبان مراسم عبادی، با مخالفت شدید کلیسا مواجه می‌شد. این موضع کلیسا، عموم مسیحیان جهان را قادر می‌ساخت که علی‌رغم اختلافات فرهنگی و اجتماعی، بتوانند به دین مسیحیت وارد شوند، بدون آنکه ضرورتی در تغییر بن‌مایه‌های فرهنگی ایشان لازم آید.

بنابراین، می‌توان ورود سلاقی عرفی دین‌داران، به عرصه شعائر و مناسک و آیین‌های دینی را در دو حوزه مستقل ارزیابی نمود: نخست، در نحوه اجرای آیین‌های مقدس است. کلیسای کاتولیک، به‌رغم انحصار آیین‌های مقدس به هفت مورد مشخص، تطبیق مصادیق را به عرف واگذار می‌کند و به عرف هر جامعه‌ای، این اجازه را می‌دهد که تحت نظارت کلیسا، آیین‌های مزبور را با فرهنگ خویش تطبیق دهند؛ زیرا اعتقاد بر آن است که در آیین عبادی، به‌ویژه در آیین‌های مقدس، یک جزء تغییرناپذیر وجود دارد که تأسیس آن الهی است و کلیسا محافظ آن است. همچنین اجزای تغییرپذیری وجود دارند که کلیسا می‌تواند و یا در برخی مواقع، وظیفه دارد آنها را با فرهنگ اقوام تازه مسیحی شده مطابقت دهد (کتکیزم، ۱۹۹۹م، بند ۱۲۰۵، ص ۲۷۵).

مسئله دیگر قدرتی بود که از سوی کلیسا به عامه مردم مسیحی تفویض شده بود تا بتوانند به‌مقتضای نیاز، شعائر و آیین‌های دینی نوظهوری را که در حقیقت، در راستای همان شعائر کلیسایی بود، وضع نمایند. به عبارت دیگر، در سایه مشارکتی که میان کلیسا با عامه متدینان برقرار شد، آیین‌های عرفی قابلیت یافتند که با رعایت اصول و موازین کلیسایی و تحت اشراف و اجازه کلیسا، به‌عنوان ملحقات آیین‌های مقدس معرفی شوند (آبت، ۱۹۶۶م، ص ۱۵۱ و ۱۵۹).

## مقایسه گستره شاعران، آیین‌های مقدس و نمادهای دینی شیعه و کاتولیک

یکی از مهم‌ترین اشتراکات شیعه و کاتولیک به حوزه گستره شاعران و آیین‌های مقدس مربوط می‌شود. شیعیان و مسیحیان کاتولیک، بر دو حوزه مستقل از شاعران تأکید دارند. نخست، مناسک و شعائری که به‌طور خاص از سوی دین معرفی شده‌اند. دوم، شعائری که نص خاصی درباره آنها از دین نرسیده است. شیعه در این باره، از اصطلاح «منصوص» و «غیرمنصوص» و کاتولیک از عبارت «سکرمنت» (آیین مقدس) و سکرمنتال (ملحق به آیین مقدس) استفاده می‌کند.

از نظر شیعه، «شعائر منصوص» منحصر به امور خاصی است که هرگز قابلیت افزایش یا کاهش ندارد، اما با توجه به اینکه تطبیق آنها بر عهده عرف می‌باشد، عرف مجاز است که در اجرای این دسته از شعائر و آیین‌های دینی، خارج از محدودیت‌هایی که شرع نسبت به آنها تصریح نموده است، به نوآوری دست بزند. مسیحیان کاتولیک نیز بر این باورند که آیین‌های مقدس هفت‌گانه، مستند به وضع عیسی علیه السلام بوده، کاملاً محدود هستند. بنابراین، هرگز کسی نمی‌تواند چیزی به آنها افزوده، یا از آنها بکاهد. اما این کلیسا، به‌طور خاص در شورای دوم واتیکان اجازه داد که جوامع مسیحی می‌توانند زیر نظر سازمان کلیسایی، این دسته از آیین‌ها را با فرهنگ جامعه خویش تلفیق و همسو نمایند. حتی در این شورا، اجازه داده شد که در برگزاری آیین‌های مقدس، به‌جای استفاده از زبان لاتین، که زبان مقدس مسیحیان است، از زبان‌های بومی هر منطقه استفاده شود. درحالی‌که استفاده از زبان لاتین، در آیین‌های مقدس، تا پیش از این شورا ضروری به‌شمار می‌رفت.

در مقابل این نوع شاعران، «شعائر غیرمنصوص» و «ملحقات آیین‌های مقدس» قرار دارد. هریک از شیعه و کاتولیک، بر این باورند که این دسته از شاعران، می‌توانند توسط عرف معرفی شوند. ازاین‌رو، هرگز نمی‌توان آنها را به تعداد معینی محدود ساخت. شیعه و کاتولیک، با تأیید و مشروعیت‌بخشی این دسته از شعائر و آیین‌های مذهبی، آنها را نیز در زمره شعائر دینی قرار داده‌اند، اما همزمان، معیارهایی را برای ورود سلاقی عرفی به دین، در نظر گرفته‌اند که مرجع نهایی شناخت و تطبیق آنها، صاحبان تفکر و اندیشه اسلامی و مسیحی هستند. در مذهب شیعه، سازمان روحانیت و در مذهب کاتولیک، سازمان کلیسای کاتولیک متکفل این وظیفه مهم هستند.

اعتقاد به توسعه شاعران و آیین‌های دینی نسبت به آنچه نص خاصی درباره آن از شرع نرسیده است، نشان از این دارد که نظام فکری شیعه و نیز کاتولیک، هریک خواهان این هستند که دین پویایی را به مخاطبان خود عرضه بدارند تا بتوانند به‌موازات تغییرات فرهنگی و اجتماعی و پیشرفت جوامع دینی،

همچنان زنده و پویا باشد. ازاین‌رو، سازمان حوزه و کلیسا، پس از عصر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت عیسی مسیح علیه السلام، ابتکار درون‌دینی را از خود دریغ نداشته، بلکه اهتمامشان بر این بوده است که بر اساس مبانی دینی، به ابتکاراتی دست زنند تا به‌موجب آن، پویایی و سرزندگی را برای مذهب خویش به ارمغان آورند. حاصل این اندیشه این است که عرف متدینان، اجازه دارند شعائر دینی را مطابق با فرهنگ و جغرافیای خود، بومی‌سازی نموده، چه‌بسا به نوآوری در شاعران دینی بپردازند.

از دیگر اشتراکات شیعه و کاتولیک در این حوزه، این است که هریک از ایشان، در نقطه مقابل خود، با گرایش‌هایی روبه‌رو هستند که هرگز اجازه وضع شعائر نوظهور را نمی‌دهند. نمونه بارز این تفکر در جهان اسلام، وهابیت است که با هرگونه عمل شرعی، که در نصوص دینی به‌طور خاص از آن سخنی به میان نیامده باشد، مخالفت می‌کند. نظیر این طرز تفکر در جهان مسیحیت و در تفکرات برخی سردمداران نهضت اصلاحی، از جمله تسوینگلی نیز وجود دارد.

اشتراک شیعه و کاتولیک در حوزه شاعران، به آنچه گفته شد، منحصر نمی‌شود. شیعه و کاتولیک، همان‌گونه که در اصل دخالت عرف در حوزه شاعران دارای شباهت هستند، در بسیاری از مصادیق شاعران، به‌ویژه در شعائر غیرمنصوص دارای شباهت‌های قابل توجهی هستند که مقایسه تطبیقی میان آنها، خود مسئله حائز اهمیت دیگری است که از عهده این نوشتار خارج است. به‌عنوان نمونه، می‌توان مؤلفه‌هایی همچون توبه، قربانی، ازدواج، جشن و عزاداری، تبرک، توسل، زیارت، پوشش و حجاب، دعا، اعیاد، کتاب مقدس، تقویم دینی، مبدأ تاریخی، مسجد و کلیسا، هنر اسلامی و بیزانسی، به‌عنوان دو زبان مقدس، انتصاب و عمامه‌گذاری، اذان و ناقوس را در شیعه و کاتولیک با یکدیگر مقایسه نمود. این قبیل اشتراکات، موجب شده است که در مقایسه میان مذاهب اسلامی با مذاهب مسیحی، شیعه و کاتولیک از بیشترین قرابت با یکدیگر برخوردار باشند؛ قرابتی که زمینه‌های گفت‌وگو و تعامل بیش از پیش آن دو مذهب را فراهم خواهد ساخت.

با وجود قرابت میان شیعه و کاتولیک، در خصوص گستره آیین‌های دینی و شعائر، اختلافاتی نیز میان آن دو مذهب به چشم می‌خورد: نخست اینکه، شعائری که به‌طور خاص در متون دینی کاتولیک به آن اشاره شده، بسیار اندک و ناچیز است. ازاین‌رو، هرگز قابل مقایسه با شعائر منصوص شیعه نیست. با مراجعه به منابع دینی شیعه، به‌روشنی می‌توان ادله‌ای را مشاهده کرد که بسیاری از شعائر رفتاری، مانند حج، نماز جمعه، نماز جماعت، نماز عیدین، وضو، جهت قبله، سجده بر خاک، عزاداری، زیارت مشاهد مشرفه، تبرک و توسل، حجاب و... را مورد توصیه قرار داده‌اند. علاوه بر این، بزرگداشت برخی

شعائر و آیین‌های گفتاری از جمله اذکار و اوراد، شعائر مکانی مثل مسجد و زیارتگاه، شعائر زمانی مثل ایام الله، تقویم قمری و ماه‌های حرام، اشیاء نمادین مانند قرآن و تسبیح فاطمه زهرا<sup>علیها السلام</sup> مورد توجه متون دینی قرار گرفته است. این امور، بخش قابل توجهی از شعائر شیعه را به خود اختصاص داده است. در مقابل، آنچه به‌عنوان شعائر غیرمنصوص شیعه مطرح است، اگرچه به‌طور خاص در منابع دینی به آنها اشاره نشده، اما اولاً، آنها در راستای شعائر منصوص هستند. ثانیاً، کلیت هریک از آنها در متون دینی سفارش شده است، درحالی‌که در مسیحیت کاتولیک، شعائر و آیین‌های دینی منصوص یا همان آیین‌های مقدس، تنها هفت مورد می‌باشد. علاوه بر این، چنانچه بیان شد، در متون دینی مسیحیت فقط رد پای از تعمیم و عشای ربانی می‌توان گرفت و اثری از سایر آیین‌ها در آنها یافت نمی‌شود. این امر، بیش از هر چیز بیانگر جایگاه ویژه شعائر نزد شیعه و حاکی از وثاقت حداکثری آن است.

### نتیجه‌گیری

۱. «شعائر» واژه‌ای است عربی از ریشه «شعر». مفرد آن شِعَار که عام‌ترین معنای آن عبارتند از: «مطلق علامت و نشانه». و در اصطلاح، با قیودی همراه می‌شود که پرکاربردترین آنها اصطلاح «شعائر دینی» است. شعائر دینی آن دسته از نمادهای دینی است که آشکار بوده و وضع شده‌اند تا خدا را به یاد آورند و معرف هویت دینی متدینان باشند.
۲. شیعه همچون صاحبان بسیاری از ادیان و مذاهب، از شعائر، آیین‌ها و نمادهای دینی بسیاری بهره‌مند است که به دو دسته شعائر منصوص و غیرمنصوص تقسیم می‌شود.
- شعائر منصوص یا شعائر دین، دسته‌ای از نمادهای دینی هستند که مستقیماً مستند به قرآن کریم و روایات معصومان<sup>علیهم السلام</sup> می‌باشند، اعم از اینکه به صراحت در متون دینی به نام شعائر خوانده شده باشند یا نه. شعائر غیرمنصوص آن دسته از نمادهای دینی است که مسلمانان بر پایه فهم خود از دین و با الهام از دستورات کلی موجود در منابع دینی، به شکل غیرمستقیم دریافت کرده، خود را مقید به مراعات آنها می‌دانند. این دسته شعائر با نام‌های دیگری همچون «شعائر متدینان»، «شعائر عرفی»، «شعائر مستحده» و «شعائر نوظهور» نیز خوانده می‌شوند.
۳. با مراجعه به قرآن کریم، چهار آیه می‌توان یافت که در آنها از عنوان «شعائر الله» استفاده شده است. در روایات اهل‌بیت<sup>علیهم السلام</sup> نیز عنوان «شعائر الله» به کار رفته است. وجه مشترک همه کاربردهای قرآنی و روایی این است که جملگی درباره مناسک حج هستند.

۴. بزرگان شیعه اگرچه در کم و کیف شعائر منصوص با یکدیگر اختلاف نظر دارند، اما جملگی بر این باورند که آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت<sup>علیهم السلام</sup>، هرگز در مقام منحصر کردن مصادیق شعائر الله به مناسک حج نبوده‌اند، بلکه هر آن چیزی که از جانب شرع مقدس به‌طور خاص، دستوری مبنی بر اعلان و اظهار آن به ما رسیده، می‌تواند جزئی از شعائر الله به‌شمار آید، هرچند به صراحت «شعائر» خوانده نشده باشد.

۵. در شیعه هرچند شعائر الله تعبدی هستند، اما این سخن هرگز به معنای این نیست که شارع مقدس با هرگونه مداخله عرف در این زمینه مخالفت کرده باشد. به عبارت دیگر، شارع مقدس نه‌تنها در مفهوم شعائر به فهم عرفی اکتفا نموده و دست به وضع معنای جدید نزده است، بلکه حتی در مصادیق آن نیز به انتخاب عرف متدینان اعتماد کرده، و با حفظ شرایط، آن را امضا، تأیید و یا توصیه نمود. هرچند لازم است این کار تحت اشراف متخصصان امور دینی انجام شود؛ چراکه عرف متدینان به‌خودی‌خود، نقشی جز معرفی و پیشنهاد گزینه‌های جدید برای شعائر دینی ندارند؛ یعنی این عالمان دین باید مشروعیت و عدم مشروعیت آن امور را از منابع دینی استنباط کنند.

۶. در میان مذاهب مسیحی، مذهب کاتولیک به نوبه خود دارای طیف گسترده‌ای از شعائر و نمادها و آیین‌های دینی است. به‌طورکلی، شعائر کاتولیک را می‌توان به جهت نوع انتسابشان به عیسی مسیح<sup>علیه السلام</sup>، به دو دسته کلی آیین‌های مقدس و ملحقات آیین‌های مقدس تقسیم نمود.

۷. آیین‌های مقدس، مهم‌ترین بخش شعائر مسیحیت می‌باشد. واژه سَکْرَمِنْت (Sacrament)، یعنی آیین‌های مقدس، عبارتند از: «نشانه‌های محسوس از فیض نامحسوس الهی که به موجب شباهتشان با امور قدسی و وضعشان از سوی عیسی مسیح، سبب تقدیس شئون مختلف زندگی می‌شوند». این آیین‌های مقدس، در طول تاریخ مسیحیت، دستخوش تغییر و تحولات کمی فراوانی قرار گرفته‌اند. اما سرانجام هفت آیین به‌عنوان آیین‌های مقدس مورد تأیید کلیسای کاتولیک قرار گرفت که عبارتند از: آیین تعمیم، تأیید، عشای ربانی، اعتراف، ازدواج، انتصاب و تدهین بیماران.

۸. کلیسای کاتولیک معتقد است که هر هفت آیین توسط عیسی مسیح<sup>علیه السلام</sup> وضع شده‌اند. بنابراین، حق هیچ‌گونه دخالتی به عرف برای وضع آیین‌های مقدس جدید داده نمی‌شود، اما درباره نحوه اجرای آیین‌های مقدس، فرهنگ عمومی در نحوه اجرای آنها با ضوابط و معیارهایی مورد پذیرش قرار گرفته است.

اما ملحقات آیین‌های مقدس یا شبه‌آیین‌ها عبارتند از: «امور مقدسی که در صف آیین‌های مقدس

قرار ندارند، اما به جهت شباهت یا ارتباطی که با آنها دارند، از سوی کلیسا و نه از سوی مسیح ﷺ، به‌عنوان مکملی برای آیین‌های مقدس قرار داده شده‌اند. این دسته شاعران، در مقایسه با آیین‌های مقدس هفت‌گانه، بسیار گسترده بوده، شامل طیف وسیعی از آداب و رسوم مسیحی می‌شوند.

۹. کلیسای کاتولیک، دربارهٔ تعداد ملحقات آیین‌های مقدس و نحوه اجرای آنها، به عرف جوامع مسیحی اعتنا نموده، و اجازه داده است که آنان در هر منطقه‌ای، می‌توانند ملحقات آیین‌های مقدس را بومی‌سازی نمایند و در مواردی به آنها بیفزایند. اما مرجع نهایی در شناخت این معیارها و نیز داوری درباره جواز تغییر در شاعران، سازمان کلیسایی خواهد بود.

۱۰. از جمله مهم‌ترین اشتراکات شیعه و کاتولیک، به حوزه گستره شاعران و آیین‌های دینی مربوط است. هر دو نسبت به نوآوری عرف متدینان در عرصه اجرا و جعل شاعران، توافق دارند و آن را تحت اشراف و نظارت علمای دین مجاز می‌دانند. این امتیاز موجب غنای مذهب شیعه و کاتولیک شده، به‌گونه‌ای که امروزه هریک از آن دو، بخشی از پویایی، سرزندگی و روزآمدی خویش را مرهون مشروعیت دخالت عرف در عرصه شاعران و آیین‌های دینی می‌دانند. همچنین این دیدگاه خاص، موجب شده است که در مقایسه میان مذاهب اسلامی با مذاهب مسیحی، شیعه و کاتولیک دارای بیشترین قرابت با یکدیگر باشند؛ قرابتی که زمینه‌های گفت‌وگو و تعامل بیش از پیش آن دو را فراهم خواهد ساخت.

۱۱. از دیگر اشتراکات شیعه و کاتولیک، این است که هریک از ایشان، در دین خود با گرایش‌های مخالفی روبه‌رو هستند که هرگونه دخالت عرف در حوزه شاعران را مصداق بدعت می‌شمارند. نمونه بارز این تفکر در جهان اسلام، وهابیت و در جهان مسیحیت در اندیشه برخی سردمداران نهضت اصلاحی، از جمله تسوینگلی نیز می‌توان یافت.

۱۲. به‌رغم قرابت میان شیعه و کاتولیک در حوزه گستره آیین‌های مقدس و شاعران، اختلاف حائز اهمیتی نیز میان آن دو مذهب به چشم می‌خورد. شعائری که به‌طور خاص در متون دینی کاتولیک به آن اشاره شده، یا همان آیین‌های مقدس، بسیار اندک و ناچیز می‌باشد که تعداد آنها تنها به هفت مورد می‌رسد. از این‌رو، بیشتر شاعران مسیحی نه در زمان عیسی ﷺ، بلکه در قرون بعدی شکل گرفته‌اند. درحالی که بیشتر شاعران و آیین‌ها و مناسک دینی شیعه دارای نص شرعی هستند. این امر، بیش از هر چیز بیانگر جایگاه ویژه شاعران نزد شیعه و نیز حاکی از وثاقت حداکثری آن است.

### منابع

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف فیضی، چ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت ﷺ لاحیاء التراث.

اریابی، حسین، ۱۳۹۴، «شعائر دینی در اسلام؛ مفهوم شناسی، ویژگی‌ها و کارکردها»، *معرفت*، ش ۲۱۱، ص ۷۵-۵۹.

آریان‌پور، عباس و دیگران، ۱۳۶۹، *فرهنگ کامل انگلیسی فارسی*، چ سوم، تهران، امیر کبیر.

آلدر، جان، ۱۳۲۶، *تاریخ اصلاحات کلیسا*، ترجمه اسماعیل شایگان، تهران، نور جهان.

بام استد، رابرت و دیگران، ۱۳۷۴، *جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

برانتل، جورج، ۱۳۸۱، *آیین کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تسنیم*، قم، اسراء.

حکیم، جعفر، ۱۴۲۴ق، *الشعائر الدینیة نقد و تقییم تقریراً لبحوث الأستاذ الشیخ محمد سند*، قم، دار الغدیر.

دورانت، ویل، ۱۳۷۱، *تاریخ تمدن*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، چ سوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۱ جلد.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم - الدار الشامیه.

رسول‌زاده، عباس؛ جواد باغبانی، ۱۳۸۹، *شناخت مسیحیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.

سیفی مازندرانی، علی اکبر، ۱۴۲۹ق، *دلیل الهدی فی فقه العزاء*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ق، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، تهران، اسلام.

علی‌نیا خطیر، نادعلی، ۱۳۹۰، *حکومت اسلامی و اقامه شعائر دینی*، (ویرایش حسن بیگی)، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.

*کتاب مقدس*، ۲۰۰۹م، ترجمه قدیم، چ پنجم، انگلستان، انتشارات ایلام.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، تهران، دارالحدیث.

محسنیان‌راد، مهدی، ۱۳۶۹، *ارتباط‌شناسی؛ ارتباطات انسانی میان فردی، گروهی، جمعی*، تهران، سروش.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.

—، ۱۳۸۹، «لزوم تعظیم شاعران اسلامی»، در: *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، چ سیزدهم، تهران، صدرا.

مغنیه، محمدجواد، ۱۳۶۹، *الفقه علی المذاهب الخمسة*، ترجمه کاظم پورجوادی، تهران، رسالت قلم.

مک لولین، شون، ۱۳۸۳، *دین، مراسم مذهبی و فرهنگ*، ترجمه افسانه نجاریان، اهواز، رسش.

#### گستره آیین‌های مقدس، شعائر و نمادهای دینی شیعه و کاتولیک؛ بررسی مقایسه‌ای ◇ ۴۵

- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۲۷ جلد.
- ، ناصر، ۱۳۸۹، *وهابیت بر سر دو راهی*، چ پانزدهم، قم، نشر امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مک‌گراث، آلیستر، ۱۳۹۲، *در سنامه الهیات مسیحی*، ترجمه محمدرضا بیات و دیگران، قم، ادیان و مذاهب.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.*
- موسوی بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ، ۱۴۱۹ق، *القواعد الفقهیه*، تحقیق و تصحیح مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی، قم، الهادی.
- الموسوی، ریاض، ۱۴۲۴ق، *الشعائر الحسینیة بین الأصالة و التجدید: محاضرات الشیخ محمد السند*، قم، دار الغدیر.
- ناس، جان بایر، ۱۳۹۰، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، چ بیستم، تهران، علمی و فرهنگی.
- نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸ق، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیه.
- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاجیاء التراث.
- نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- وان وورست، رابرت، ای، ۱۳۸۴، *مسیحیت از لابه‌لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ویلسون، برایان، ۱۳۸۶، *دین مسیح*، ترجمه حسن افشار، چ سوم، تهران، مرکز.
- ویور، مری جو، ۱۳۸۱، *درآمدی به مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- Catechism of the Catholic Church*, 1999, London, Geoffrey Chapman.
- Cunningham, Lawrence S., 2009, *An Introduction to Catholicism*, New York, Cambridge University Press.
- Denzinger, H. Ed., 2001, *Enchiridion Symbolorum*, 39th Ed., Freiburg im Breisgau: herder.
- Hugh of St. Victor, 1962, *De Sacramentis Selected Spiritual Writings*, Harper & Row Publishers, New York and Evanston.
- Lombardi, Petri, 1841, *Sententiarum Libri Quatuor*, Paris, Parisiis Excuderat Migne, 4 Vols.
- Luther, Martin, 1520, The Babylonian Captivity of the Church in: *D. Martin Luthers Werke*, 1888, Weimar bohla.
- Schaff, p., 1919, *Creeds of Christendom*, New York, Harper.
- Second Vatican Council, Sacrosanctum Concilium (SC) in: Walter M. Abbott Ed., 1966, *The Documents of Vatican II*, New York: Herder and Herder.